نیت‌خوانی محور عبری - عربی از همپوشانی در نشست ورشو

کنفرانس ورشو به فهرست شکست‌های آمریکا افزوده شد

دکتر جلال چراغی-: کنفرانس ورشو بر خلاف بزرگنمایی رسانه‌ای و سیاسی که از سوی ایالات متحده در روزهای منتهی به برگزاری آن شد، خروجی خاصی که بتوان آن را به عنوان یک نقشه راه مورد ارزیابی قرار داد نداشت. باید به این نکته توجه داشت که تحرکات آمریکا طی چند سال گذشته و بویژه ۲ سال اخیر که دونالد ترامپ سکان اداره امور در کاخ‌سفید را به دست گرفته است، با شکست‌های پی در پی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای روبه‌رو بوده و از این رو کنفرانس ورشو را باید در فهرست این شکست‌ها قرار داد. تا جایی که حتی قبل از برگزاری این کنفرانس شاهد عدم همراهی بسیاری از کشورهای اروپایی با آمریکا درباره عدم حضور در این کنفرانس بودیم. در همین جهت طی هفته‌ها و روزهای منتهی به کنفرانس ورشو، مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده با سفر به بسیاری از کشورهای اروپایی سعی داشت بتواند مقامات دولت‌های اروپایی را برای حضور در ورشو ترغیب کند که تصاویر منتشر شده از محل نشست ورشو نشان داد این سناریو هم با بن‌بست مواجه شد. آنچه باید از منظر ماهوی مورد توجه قرار گیرد این است که ایالات متحده در واپسین دقایق محجور به تغییر نام کنفرانس ورشو شد و همین موضوع باعث شد تمرکز از ایران به موضوع صلح و امنیت در خاورمیانه تغییر ماهیت شود. واقعیت این است که ایالات متحده نظارگر شکست جریان‌های مختلف و رنگارنگ تروریسم تکفیری در منطقه است که بدون تردید اقدام‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی در شکست سناریوهای مورد نظر غیرقابل انکار است و بدون تردید این روند باعث شده ترامپ دست به مقابله با تهران بزند. یکی از این اقدام‌ها که اوایل سال جاری (۱۳۹۷) اتفاق افتاد خروج ایالات متحده از برجام بود که البته سابقه این اقدام ترامپ داره لغو عضویت کشورش در یونسکو، لغو پیمان آبوهوایی پاریس و... کاملا واضح و مشهود است و محلی از ابهام به جا نمی‌گذارد. او بر این عقیده بود که با خروج از برجام می‌تواند ضربه‌ای مهلک و کارساز به ایران وارد کند اما واقعیت این است که کشورمان نه در بلوار برخورداری از منابع عظیم بشری و موقعه جغرافیایی مهم‌ست مستعد، دارای قدرت نفوذ بسیاری در منطقه است که به صورت طبیعی این جایگاه خوشایند آمریکا، برخی کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی نیست.

از این منظر همان‌گونه که سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اعلام کرد، کنفرانس ورشو یک نمایشنامه از پیش تهیه شده بوده که البته وزیر امور خارجه کشورمان هم آن را سیرک مضحک توصیف کرد. نکته‌ای که در تحلیل محتوای این کنفرانس باید مورد نظر قرار بگیرد، این است که ایران بازیگران و مهره‌های حاضر در این نشست را که ۱ محور اصلی درباره اهداف برگزاری این کنفرانس را نمایان می‌کند:

الف- اهداف اروپایی و بین‌المللی

در محور اروپایی و بین‌المللی هم چندین نکته نهفته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- مخابره پیام به روسیه که این عمل با انتخاب محل برگزاری کنفرانس در ورشو انجام شد. باید متوجه بود که لهستان در همسایگی اوکراین قرار دارد و این نشان می‌دهد ایالات متحده همچنان به دنبال صفبندی استراتژیک علیه روسیه است. تا جایی که آنها قصد دارند اروپای شرقی را از نفوذ مسکو و به نفع خود حفظ کنند و در گام بعدی به دنبال مصادره گاز در این منطقه هستند.

۲- تلاش آمریکا برای تثبیت و ایجاد پایگاه‌های نظامی و موشکی در لهستان و اروپای شرقی.

۳- مهار نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین در اروپای شرقی به صورتی که ایالات متحده همچنان از پیشروی اقتصادی و سیاسی پکن در اروپای شرقی و اروپای مرکزی سرّی دارد و به دنبال ایجاد اتحاد علیه رقیب شرقی خود است.

۴- آمریکا سعی داشت با حضور در لهستان و بارکشی در کنفرانس ورشو به دنیا بفهماند ایالات متحده پس از ۲۰ سال مجدداً وارد معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی شرقی و مرکزی شده است. مصداق دیگر آن را باید سفرهای اخیر پمپئو به کشورهای مذکور برای دعوت از مقامات دولتی برای شرکت در نشست ورشو دانست. از این منظر اعلام حضور در اروپای شرقی، یکی دیگر از مسائلی است که آمریکا به آن احتیاج داشت.

با نگاهی به این موارد، حاضرانی باید بفهمیم اشخاص حاضر در کنفرانس ورشو از سطوح پایین دولت‌ها وارد لهستان شدند. به گونه‌ای که تصاویر و ویدئوهای منتشرشده نشان می‌دهد به غیر از وزیر خارجه بحرین، وزیر مشاور عربستان در امور خارجی، وزیر خارجه آمریکا و معاون دونالد ترامپ، هیچ شخصیت تراز اول در این کنفرانس حضور نداشت. حتی حضور نیمایمین نتانیاهو و اظهارات آن توجه و انتقاد بسیاری از تحلیلگران و حتی خبرنگاران حاضر در نشست را به دنبال داشت. مسأله دیگری که اعتبار این نشست را زیر سوال برد، عدم انتشار دستورالعمل نشست ورشو قبل از برگزاری آن بود. بسیاری از خبرنگاران در فضای اجتماعی صراحتا اعلام کرده بودند موضوعات مورد بحث و حتی انتخابی اعلام شده در این نشست شرکت کنند یا به سخنرانی بپردازند تا دقیقه ۹۰ مشخص نبوده که این نشان‌دهنده بی‌اعتباری کنفرانس ورشو است. اینکه اشخاصی مانند رئیس‌جمهوری فرانسه یا صدراعظم آلمان در این نشست شرکت نکرده‌اند اهمیت زیادی از حیث تحلیلی دارد اما آنچه که بسیار مهم‌تر خواهد بود این است که «فدریکا موگرینی» مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی اعلام کرده به دلیل مشغله کاری قادر به حضور در ورشو نیست؛ سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که مگر به غیر از کنفرانس ورشو از کشورهای اروپایی در رویداد سیاسی در مقیاس جهانی در حال برگزاری بوده که ایشان نتوانسته‌اند شرکت کنند؟ عدای این سخنان موگرینی را به برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۱۹ گره زده‌اند اما واقعیت این است که کنفرانس مونیخ ۲۶ تا ۲۸ بهمن‌ماه برگزار شد اما نشست ورشو ۲۵ بهمن بود این اظهارات دقیقا نشان می‌دهد مقامات ارشد اتحادیه اروپایی هم اهمیت خاصی برای کنفرانس ورشو قائل نبودند و اصلاتا اعتبار آن را زیر سوال بردند. اتفاقی در آخر کلام باید مورد نظر قرار گیرد این است که عده‌ای معتقدند یکی از اهداف این اجلاس همپوشانی اعراب و اسرائیل علیه قطر بوده است اما واکنش گروه‌های جهادی فلسطین مانند حماس، فتح، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و... دال بر این است که کنفرانس ورشو نشان‌دهنده نیت شوم اعراب و رژیم صهیونیستی علیه فلسطین است. در این میان وزیر خارجه بحرین اعلام کرده بود فلسطین هدف اصلی نیست، بلکه ایران را هدف اصلی خطاب کرده بودند اما همگان می‌دانند فلسطین و ایران در عرض یکدیگر قرار دارند و از این منظر آنها به دنبال کلید زدن قرار جدید ایران‌هراسی از طریق اجماع اعراب و اسرائیل با یکدیگر هستند.

● تحلیلگر مسائل سیاسی جهان عرب

بررسی دلایل دعوت ضدانقلاب به نشست ورشو در گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با علی قاسمیان، تحلیلگر مسائل سیاسی

میهمانی تروریست‌ها در میزبانی دیپلماتیک

در ورشو فقط جای داعش خالی بود که سر میز مذاکره بنشیند!

پویان شریعت: تنها چند روز پس از انتشار خبر خروج نیروهای ایالات متحده از سوریه، اعلام برگزاری نشستی در ورشوی لهستان با موضوع ایجاد جبهه‌ای متحد علیه جمهوری اسلامی در صدر اخبار رسانه‌های مختلف جهان قرار گرفت. خبری که بیانگر تجمیع برخی مقامات سیاسی و دیپلماتیک به علاوه تعدادی از گروه‌های تروریستی ضد انقلاب در ورشو با هدف اتخاذ راهبردی جدید برای اجرای اقدامات ضد امنیتی علیه تهران بود؛ موضوعی که علاوه بر ویژگی‌های خبری از حواشی پررنگی نیز برخوردار بود که در نهایت تحلیل‌های گوناگونی را هم به دنبال داشت. «وطن‌امروز» برای بررسی ابعاد مختلف دورهمی تروریستی و دیپلماتیک در لهستان و روشن شدن دلایل پنهان چنین رخدادی گفت‌وگویی را با علی قاسمیان، کارشناس مسائل سیاسی ترتیب داد که متن آن از نگاه‌تان می‌گذرد.

■ برای شروع بـه علل برگزاری چنین نشستـی در لهستـان در فضای سیاسـی- امنیتی حال حاضر درباره جمهوری اسلامی بپردازیم؛ توضیحی اجمالی از ابعاد برگزاری چنین نشسـتی در شـرایط کنونی برای مخاطب بدهید؟

مهم‌ترین مسأله درباره نشست لهستان به شکست‌های پی در پی آمریکا در برابر اراده جمهوری اسـلامی ایران در منطقـه بازمی‌گردد. روندی که بروزی منجر به اجبار امریکایی‌ها برای ترک خاک سوریه خواهد شد. وقتی آمریـکا در ۱۳ آبان دور دوم تحریم‌هـای اقتصادی علیه ایران را آغاز کرد، انتظار داشت نتیجه اقدام‌هایش را در صحنه عمل ببیند و نتیجه بخش نبودن این فشارها باعث شد تا مبتنی بر همان نظریه عجیب و غریب مشاور امنیت ملی ترامپ مبنی بر اینکه جمهوری اسـلامی پایان ۴۰ سالگی خودش را نخواهد دید، در تاریخی نزدیک به جشن پیروزی انقلاب کنفرانس ورشو را راه‌اندازی کند. تبلیغات وسیع آمریکا درباره اینکه ۷۰ کشور شامل اروپایی‌ها و کشورهای عرب همسایه ایران در منطقه در این نشسـت حضور خواهند داشـت، در عین حال که تلاش آمریکا را برای نمایش اجماع جهانی علیه ایران نشان می‌دهد، در دل خود نکته‌ای مهم و قابل تحمل دارد که می‌بینیم آمریکایی‌ها با این اقدام در برابر ایران، در واقع اعتراف کرده‌اند به تنهایی قادر به مقابله با اراده جمهوری اسلامی نیستند. این به معنی همان افول قدرت ایالات متحده است که بعد از جنگ دوم جهانی با اتکا بر هژمونی خود و به تنهایی برای بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها تصمیم می‌گرفت و اراده خـود را تحمیل می‌کرد اما اکنون بـرای اهدافش نه‌تنها نیاز به کمک‌های جهانـی دیگران دارد، بلکه حتی در تجمیع کمک‌های دیگر کشورها، حتی برخـی متحدان اروپایی نیز چندان موفق نیست و برای کشورهای مؤثر و قدرتمند اروپایی دیگر حاضر به شراکت در ماجراجویی‌های آمریکا نیستند.

■ آیا حضور سازمان منافقین و ضدانقلاب سلطنت‌طلب به عنوان مهم‌ترین میهمانان این نشسـت برای نخستین‌بار رخ می‌دهد یا سابقه قبلی برخوردار است؟

اساسـا مرسوم نیسـت که وقتی چند کشـور در سطح وزرای خارجه با یکدیگر نشسـت دارند، از گروه‌های اپوزیسیون و تروریسـتی نیز دعوت شود. اگر هم نمونه‌هایی تقریباً شـبیه به آن را که مثلا درباره سوریه اتفاق افتاد بخواهیم مثال بزنیم، کیفیت ماجرا به این شکل نبوده و البته اینگونه اقدامات فقط از آمریکایی‌ها سـر می‌زند. حضور منافقین، سـلطنت‌طلبان و دیگر گروه‌های ضد انقلاب در این نشسـت ۲ سر دارد؛ سر اول آن همین گروه‌ها هسـتند که اساساً از هزینه و بودجه طرح‌های ضد ایرانی ارتزاق می‌کنند و طبیعی است که اگر در گوشه‌ای از دنیا قرار باشد در این باره صحبت شود یا بودجه‌ای مصوب شود، آنها نیز به هر ترتیب شده خود را می‌رسانند. ولو در مقابل در برگزاری نشسـت! سوی دیگر ماجرا آمریکاسـت که در اجماع مورد نظرش سعی کرده همه ایرازهای موجود را به کار گیرد. اینکه در این یروسـه به گروه‌های ضد انقلاب نیز میدان داده است. مسلماً بیانگر دست خالی آمریکایی‌هاسـت که مجبور شده‌اند روی ظرفیت‌های ناچیز گروه‌های فراری ضد انقلاب نیز محاسبه کنند. واقعیت این است که حضور اعضایی از منافقین یا باقیمانده‌های سلطنت حتی در مقابل درهای محل برگزاری نشسـت ورشو نیز به کلی اعتبار این نشسـت را زیر سـوال می‌برد. شما فرض کنید قرار اسـت با همکاری گروه‌هایی با سـابقه تروریسـتی، درباره تأمین امنیت خاورمیانه و محدودسـازی ایران صحبت شود!

■ به نظر شما چرا امروز جامعه اطلاعاتی غرب و سـرویس‌های دشمن به این جمع‌بندی رسیده‌اند که گروه‌های نفاق و سلطنت‌طلب را در کنار یکدیگر قرار دهند؟ آیا این اقدام پیام خاصی را در بطن خود دارد؟

این نظریه که گروه‌های مختلـف ضد انقلاب در کنار هم قرار بگیرند، مربوط به حداقل ۷ سال پیش است که در عمل به برگزاری نشسـت‌هایی با نام «اتحاد برای دموکراسی» در اروپا منجر شد و تقریباً از همه گروه‌های فراری ضد انقلاب نمایندگانی نیز حضور داشتند. هزینه‌ها و میزبانی هم به عهده همین سـرویس‌های اطلاعاتـی بـود. دسـتگاه‌های اطلاعاتی دشمن آن زمان و حتی حتی تجمیع کمک‌های دیگر کشـورها، حتی برخـی متحدان اروپایی نیز چندان موفق نیست و اساسـاً گروه‌های اپوزیسـیون ایران به تنهایی هیچ ظرفیت و توانی برای اقدام مؤثر ندارند و امید داشـتند با تجمیع این گروه‌ها به قدرت و توان قابل تأملی دسـت پیدا کنند. حال زمان هم ۶ یا ۷ جلسه اتحاد برای دموکراسـی بدون هیچ نتیجه‌ای به پایان رسـید و بعدها برخی از افراد شرکت‌کننده گفتند از آن ممرِ فایده می‌فرشند تا از فرصت یک مسافرت رایگان همراه با هزینه‌های خنل و خوراک استفاده کنند! اما واقعیت این است که از یکسو این گروه‌ها اساسا سـر ایدئولوژی یا هم اختلاف دارند و از سوی دیگر امروز مهم‌ترین مؤلفه اختلافات‌شان رقابت برای جذب حمایت‌های مالی کشورهای غربی برای مقابله با جمهوری اسـلامی اسـت و می‌بینیم که در عمل هم این بودجه مصروف زندگی اشرافی سران آنها در غرب می‌شود و نه تقابل با جمهوری اسلامی! سـرویس‌های اطلاعاتی غربی نیز ابزاری غیر از این در اختیار ندارند که بخواهند آن را تقویت کرده و علیه جمهوری اسلامی به کار گیرند. برای ملموس‌تر شدن این مسأله کافی اسـت به رفتار این گروه‌ها در حاشیه همین اجلاس لهستان نگاه کنیم. هیچ اطلاعات پنهانی نیز در آن وجود ندارد و با یک سرچ ساده در اینترنت و سایت‌هایی همچون یوتیوب، فیلم‌هایی را در این‌باره می‌بینیم. خلاصه عملکرد این گروه‌ها در حاشیه نشسـت ورشو این بود که اگر پلیس لهستان کنترل نمی‌کرد اینها در همان روز اول یکدیگر را تکه و پاره کرده بودند! فیلم‌ها کاملاً گویاست و جالب است بدانید خود سلطنت‌طلبان در نشست ورشو شامل ۳ گروه بودند که با یکدیگر درگیر شدند! اکنون با چنین شرایطی یا باید بپذیریم که سـرویس‌های اطلاعاتی آنقدر ضعیف و ناآگاه هسـتند که چنین برآوردهایی از ضد انقلاب ایران ندارند یا باید بپذیریم که همین گروه‌های بی‌سر سامان و آواره در اروپا تنها ابزار موجود برای مقابله با نظام ایران است.

■ با توجه به اینکه سـازمان نفاق هیچ‌گاه هژمونی اپوزیسیون را نپذیرفت و با توجه به کارنامه این سـازمان در درگیری با جریان سـلطنت‌طلب، آیا سرویس‌های اطلاعاتی غرب در دکترین تقابلی با تهران به راهبرد جدیدی برای بهره‌گیری از این دو جریان رسیده‌اند یا تنها به عنوان یک پروپاگاندا این دعوت انجام شده است؟

اساسـاً داسـتان جریانات اپوزیسـیون خیلی سطحی‌تر و ساده‌تر از این حرف‌هاسـت که بخواهیم درباره هژمونی آنهـا صحبت کنیم. همان‌طور که عرض کردم دعوای اینها بر سـر جذب کمک‌های مالی به بهانه مبارزه با جمهوری اسـلامی اسـت. هر کدام از این گروه‌ها اگر اقدامی هم انجام می‌دهند، شبکه‌ای را می‌گردانند یا در شبکه‌های اجتماعی فعالیتی می‌کنند، صرفاً جهت گزارش‌دهی به سرویس‌های غربی برای جذب کمک‌های مالی است. به عنوان مثال آخرین تصویر فراری ضد انقلاب در ورشو با هدف اتخاذ راهبردی جدید برای اجرای اقدامات ضد امنیتی علیه تهران بود؛ موضوعی که ارتباط‌گیری با نسل جوان و نوجوان ما دارند که اطلاع زیادی از وقایع ابتدای انقلاب نداشـته و مطالعه‌ای در این زمینـه نکرده‌اند. از طریق مؤلفه‌هایی همچون ارتباط‌گیری با هویت مسـتعار یک زن یا پسران، وعده‌های دروغ اقامت در خارج از ایران، تحریک احسـاسـات، تحریف تاریخ در ذهن جوان و وعده‌هـای دیگری چون لایک و فالوئر در شـبکه‌های اجتماعی و امثال اینهـا افراد را فریب داده و از آنها می‌خواهند در یک کوچه خلوت تابلویی را به دسـت بگیرند که مثلاً عکس سران منافقین روی آن اسـت یا شعاری علیه نظام و یا نام بردن از منافقین روی آن نوشته شده اسـت. این امر کار را هم گنـاشـته‌اند «کانون‌های شورشی» و تصاویر آن را جمع‌آوری کرده و برای نمایش مقبولیت خود و اثبات اینکه در ایران پایگاه اجتماعی دارند، به سرویس‌های اطلاعاتی دشمن ارائه می‌دهند. حال آن جوان فریب خورده نه بدرسـتی می‌داند با چه گروهی همکاری کرده یا عکس چه کسی را به دسـت گرفته یا اینکه اصلاً نتیجه این کار در یک کوچه خلوت چه می‌تواند باشد؟ این واقعیت منافقین اسـت. سلطنت‌طلبان هم برای عرضه خود روش‌هایی

این نظریه که گروه‌های مختلف ضد انقلاب در کنار هم قرار بگیرند، مربوط به حداقل ۷ سـال پیش اسـت که در عمل به برگزاری نشسـت‌هایی با نام «اتحاد برای دموکراسی» در اروپا منجر شـد و تقریباً از همه گروه‌های فراری ضد انقـلاب نمایندگانی نیز حضور داشـتند. هزینه‌ها و میزبانی هم به عهده همین سـرویس‌های اطلاعاتی بود

بلهٔ مسأله دقیقاً همین استیصالی است که گفتید. همان‌طـور که گفتید حافظه ملت ایران منافقین را با تـرور در دهـه ۶۰ در کوچه و بازار و علیه مردم عادی می‌شناسد. آخرین تصویر فراری ضد انقلاب در ورشو با هدف اتخاذ راهبردی جدید برای اجرای اقدامات ضد امنیتی علیه تهران بود؛ موضوعی که علاوه بر ویژگی‌های خبری از حواشی پررنگی نیز برخوردار بود که در نهایت تحلیل‌های گوناگونی را هم به دنبال داشت. «وطن‌امروز» برای بررسی ابعاد مختلف دورهمی تروریستی و دیپلماتیک در لهستان و روشن شدن دلایل پنهان چنین رخدادی گفت‌وگویی را با علی قاسمیان، کارشناس مسائل سیاسی ترتیب داد که متن آن از نگاه‌تان می‌گذرد.

■ برای درک بهتر نسل‌های بعد از انقلاب رابطه موجود میان جریان‌های ضد انقلاب بویژه نفاق و سـلطنت‌طلبان با جامعه اطلاعاتی غرب بویژه آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا و موسـاد را تشـریح کنید. در واقع شـکل‌گیری اپوزیسـیون و سوءاسـتفاده سـرویس‌ها از این بسـتر برای نسل‌های بعد از انقلاب به شکل دقیقی تاکنون تشریح نشده است. با وجود این کم‌کاری‌ها

عربی- غربی با بررسی کارنامه بحران تروریستی خاورمیانه به این نتیجه رسیده‌اند برای مقابله با انقلاب اسلامی در ایران تنها راه موجود ایجاد فشار و خلق تنش در داخل به علاوه افزایش فشـار در حوزه پیرامون اسـت. به زبان ساده‌تر دیروزالعمل جامعه اطلاعاتی مثلث مذکور افزایش فشار اقتصـادی در داخل و ایجاد نارضایتی و در نهایت تبدیل آن با اسـتفاده از اهرم‌های تروریسـتی بومی خود از جمله منافقین و سـلطنت‌طلب‌ها به اغتشـاش و درگیری مسلحانه اسـت. سناریویی که هدف از اجرای آن افزایش فشار پیرامونی با استفاده از اهرم نیابتی برای خلق بحران امنیتی در ۲ حوزه داخلی و خارجی با هدف براندازی نظام و شکسـت ارائه مدل ایران است.

به عبارت دیگر غرب با برگزاری نشست ورشو به دنبال ایجاد جبهه‌ای متحد و تعریفی جدید از عنصر ضد انقلاب در راهبرد تقابلی با ایران بوده و در این مسیر پتانسیل موجود در منافقین را در کنار ظرفیت سلطنت‌طلبان تعریف کرده اسـت. این در حالی اسـت که هدف از دعوت آنها و حضور مشترک ۲ جریان مذکور، تبیین راهبرد جدید با رتجریف اهرم برانداز برای بازیگران مؤثر خارجی بوده اسـت.

در همین راستا باید به الگوی مبارزه علیه رژیم پهلوی نیز اشاره داشت؛ در ایام قبل از انقلاب، گروه‌های مسـلحی که با نظام ناهنشاهی مبارزه می‌کردند همواره از یک ظرفیت ملی بومی نیز بهره‌مند بودند؛ ظرفیتی که علاوه بر خدمات ملی در آخرین سال‌های مبارزه با پهلوی خدمات دیگری نیـز به مبارزان بـرای اجرای اقدامات مختلف ارائه مـی‌داد. این در حالی اسـت که سرویس‌های دشمن با استفاده از ظرفیت بومی نفاق به دنبال بهره‌گیری از ظرفیت موجود در جریان سـلطنت‌طلب همچون پهلی‌ها، صهیونیست‌ها و... نیز هستند که به عبارت دقیق‌تر این مسأله حکایت از یک صفبندی تمام‌عیار به عنوان آخرین دست و یا زدن‌های غرب برای تقابل با انقلاب اسلامی دارد.

■ سناریوی داخل

پروژه براندازی در ایران در ۲ حوزه داخلی و پیرامونی در دسـتور کار عناصر حاضر در ورشو قرار گرفته است. سناریوی داخلی از ایجادی فشار اقتصادی آغاز و با شدت گرفتن نارضایتی‌ها به دنبال استفاده از اهرم بومی نفاق برای تبدیل وضعیت اعتراض به نافرمانی مدنی و در نهایت درگیری مسـلحانه اسـت؛ موضوعی که چندی قبل از سـوی منافقین با اشاره به کانون‌های شورشـی در داخل و برخی عناصر نفـوذی که در قالب تواب وارد ایران شده‌اند، رونمایی شد. به عنوان نمونه سازمان منافقین از اشرف تـا آلبانی هیچ‌گاه عناصر تحت امر خـود را در یک همایش آن هم بدون محدودیت رها نکرده اسـت اما اخیرا مربوط به ورشـو حاکی از آن اسـت که مرکزیت سازمان به این جمع‌بندی رسیده اسـت که برای معرفی خود به عنوان یک اهرم جدی با پتانسیل بالا باید تجمعی بزرگ در ورشو به راه بیـندازد و برای همین نیاز به این دارد که عناصر در بند خود را برای نخسـتین‌بار بدون هیچ محدودیتی وارد شهر ورشو کنند. از سوی دیگر به گفته یک منبع آگاه سـازمان حکم کسـانی که بعد از مراسم به اردوگاه آلبانی باز نگردند، اعدام عنوان و به همه عناصر سازمانی این موضوع ابلاغ شده اسـت. این در حالی اسـت که کارشناسان مسائل امنیتی معتقدند این اقدام منافقین سـناریویی برای انتقال عناصر تشکیلاتی و تروریسـت‌های سازمانی خود به داخل کشور با پوشش فرار از سازمان اسـت عناصری که ماموریت آنها برای ایجاد ناامنی در فتنه آینده به آنها ابلاغ شده و مشخصا با ماموریتی از قبل تعیین شده برای تبدیل وضعیت اعتراض به اغتشاش و اقدامات تروریستی رهسپار ایران می‌شوند.

با نگاهی اجمالی به اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ می‌توان به الگوی جدیدی از اقدامـات ضد امنیتی علیه انقلاب و ملت ایران رسـید. سـرویس‌های جاسوسی دشـمن به علاوه نیروهای ضد انقلاب در دی‌ماه ۹۶ بر خلاف همه اقدامات قبلی خود تلاش بر پایانچت و مراکز اسـتان‌ها را در دسـتور کار قرار ندادند، بلکه آنها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که پایانچت و مراکز استان‌ها از چتر امنیتی- اطلاعاتی کافی برخوردار بوده و هرگونه اقدام ضد امنیتی در کوتاه‌ترین زمان ممکن رصد، شـناسـایی و کنترل می‌شود. به زبان دیگر برای نخسـتین‌بار در دی‌ماه ۹۶ دشمن از الگوریتم معکوس در انتخاب اهداف شـهری اسـتفاده کرد. این یعنی بر خلاف پرتکل‌های موجود که شـهرهای بزرگ را در دسـتور کار قرار می‌دهد، این بار از شـهرهای کوچک استفاده شـد و در نهایت با ایجاد ناامنی در شهرهای کوچک و همچنیـن تعدد مراکز بحران، مراکز اسـتان‌ها را مجبور به انتقال نیرو و کنترل نکنند؛ موضوعی که با هدف به‌هم‌ریختگی الگوریتم امنیتی در مراکز اسـتان‌ها و پایانچت می‌تواند بستر و فضای مناسب برای اقدامات خاربکارانه و تروریستی در مناطق مذکور را فراهم آورد.

اسـت در حالی اسـت که پـروژه برانـدازی و فاز داخلـی آن بر عهده تروریسـت‌های گهیکه‌کار بنا‌ی پشـتیبانی سلطنت‌طلب‌ها برای افزایش پتانسیل موجود قرار دارد. از سویی گراگهای عملیات روانی در آلبانی و همچنیـن برخی شـبکه‌های مجازی ضد انقلاب را نیز نباید به عنوان بخش دیگری از این سناریو از قلم انداخت. پروژه آینده سرویس‌های جاسـوسی غربی- عربی- غربی علیه بر بخش سـخت داخلی از پشـتوانه نرم خارجی نیز برخوردار اسـت؛ پشتوانه‌ای که در دی‌ماه سال گذشته برخی شبکه‌ها همچون «امنیتوز» و کانال‌های مرتبط با مجموعه «ری استارت» به علاوه مرکز روانی آلبانی عهده‌دار انجام ماموریت‌های بلاغی آن بودند.

■ سناریوی پیرامون: از تکفیری‌ها تا جدایی‌طلبان

فاز دیگر راهبرد جدید دشمن در تقابل با ملت ایران بخش پیرامونی یا همان خارجی آن اسـت. یکی دیگر از مسائل مورد توجه درباره ایجاد بحران امنیتی در داخل ایران تبدیل کشـور فارس از حوز مرکزی و خارج از کشور اسـت؛ فشاری که می‌تواند علاوه بر تأمین کردن نیاز مورزی ۲ حوزه اقتصاد و امنیت را مورد هدف قرار دهد. با نگاهی به اقدامات تروریستی در یک ماه گذشته بویژه عملیات‌های تروریستی در استان سیستان‌وبلوچستان به نام برخی گروه‌ها از جمله «جیش‌العدل» و «صف‌الفرقان» می‌رسیم؛ گروه‌هایی که از برای اظهارنظرها از سـوی برخی مقامات واشـنگتن و تل‌آویو با وجود رکود مدت‌دار در اقدامات تروریستی به ناگهان نمودار عملیات‌های تروریستی خود در استان خوزی شوک کشور را افزایش دادند.

این در حالی اسـت که با آزادسازی مناطق اشغالی متعددی در عراق و سوریه اخباری درباره انتقال عناصر داعش به بخش‌هایی از افغانستان و پاکستان و همچنین تأمین نشدن مرزهای نوار شرقی ایران به گوش می‌رسد، اخباری که حاکی از برنامه‌های جدید سیا و موساد با نیروهای سعودی علیه ملت مظلوم ایران و انقلاب اسلامی است.

این مسأله گویای نگاهی کاملاً جدی سرویس‌های دشمن به هرگونه دخالت و اقدام علیه ایران است. در واقع جنگ نیابتی در شام و عراق و عدم حضور مستقیم ارتش‌های کلاسیک مشخص به بحران مذکور خود نشان از میزان اقتدار ایران و ترس دشمن از تقابل مستقیم با انقلاب اسلامی دارد.

بر همین اساس بهترین اهرم برای افزایش فشار علیه نظام و ملت ایران گروه‌های نیابتی همچون تروریست‌های داعش، جیش‌العدل و انصارالفرقان اسـت. اما هـدف از بهره‌گیـری از چنین ظرفیتی آن هـم در مناطق و اسـتان‌های مرزی و حیوی چیسـت؟ هدف اول را می‌توان اعمال فشـار مضاعف و خلق بحران جدید برای افزایش فشار بر ساختار نظامی و امنیتی علاوه بر کنترل و بحرانی که باعث می‌شود همه توان نظام به کنترل و مدیریت بحران داخلی معطوف نشود، هدف دوم افزایش فشارهای اقتصادی با اجرای اقدامات تروریسـتی روی مراکز اقتصـادی ایران در نوار جنوبی و اخلال در معابر گمرکی با هدف جلوگیری از واردات و صادرات اسـت؛ اقدامی که نه‌تنها نمودار بحران را صعودی می‌کند، بلکه به رشد شاخص عدم توسعه و محرومیت نمودار کمک می‌کند. موضوعی که در آخر می‌تواند زمینه‌ساز جذب نیرو از مناطق بحرانی با اهداف مالی و ایجاد شبکه‌های تروریستی متعدد باشد.

به همین جهت اسـتفاده از برخی تروریسـت‌های تکفیری از جمله داعـش جیش‌العـدل و انصارالفرقان آن هم در نوار جنوبی و شـرقی در دسـتور کار قرار گرفته که برای چنین ماموریتی برخی مرتجعان عرب به عنوان مسؤول به رهبری دعوت شده‌اند. در واقع نشسـت لهسـتان بیشتر میزان استیصال دشمنان اقلیت اسلامی در تقابل با ایدئولوژی اسـلام انقلابی امام خمینی(ره) و راهبری نایب خلف چیز جدار آن اسـت؛ تقابلی که تا امروز در هر بستری که شکل گرفته، تنها یک پیروز داشته و آن کسـی نیسـت جز ملت مظلوم. این نشسـت خود بیانگر میزان اقتدار نظام اسلامی ایران و جایگاه مقاومت ملت ایران اسـت؛ نشسـتی که دشمنان انقلاب را مجبور به ایجاد جبهـه‌های متحد و متعدد برای ادامـه این تقابل کرده‌اند اما در نهایت باعث شده پیروان انقلاب ایران که از برای مظلومیت و قاتلان کودک‌کش در کنار مرتجعان عـرب قرار گیرند؛ موضوعی که به اعتقاد برخی تحلیلگران به نوعی صفبندی تمام‌عیار باطل بر حزب حق است.

● پژوهشگر و تحلیلگر مسائل اروپا

واکاوی سناریوی ضد امنیتی مثلث عبری-عربی- غربی در ورشو در گزارش «وطن‌امروز»

دست‌چینِ انفعال

حسن حنیف-: ایجاد جبهه‌ای متحد برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران؛ این بخشـی از سخنان «هایک پنس» معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده درباره علل برگزاری نشسـت ورشو در لهسـتان است. نشستی که به خودی خود نه‌تنها از اهمیت خاصی برای مخاطبان ایرانی برخوردار نبود، بلکه همزمانی آن با یک اقدام تروریسـتی علیه پاسداران انقلاب در جاده خلخ- زاهدان باعث شد به چرایی و چگونگی حضور میهمانان تروریست و حضور مشترک صهیونیسـت‌ها و برخی مرتجعان عرب بیش از پیش پی ببریم:

اما برای درک بهتر مخاطب و قبل از اینکه به اهداف چنین نشسـتی بپردازیم، باید نگاهی گذرا به عناصر حاضر در این نشست و زوایای پنهان حضور داشت. موضوعی که تا حدودی می‌تواند درک درستی از ایجاد یک جبهه متحد و پیام محتوایی چنین مراسمی به مخاطب به دست دهد.

■ تاج‌الفقاط

با نگاهی به اسـامی حاضران در نشست ورشو ۲ جریان ضد انقلاب و تروریستی توجه برخی رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کرد؛ سازمان منافقین (مجاهدین خلق) و سلطنت‌طلب‌ها بررسی حضور این دو جریان در کنار یکدیگر از آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که یک کارنامه ۵۳ ساله از دشمنی و تقابل میان آنها حداقل به شکل ظاهری خودنمایی می‌کند. سازمان منافقین با وجود ۱۷ سازمان سیاسی و ۱۱ سازمان نظامی هیچ‌گاه هژمونی اپوزیسـیون و سلطنت‌طلب‌ها را به عنوان مرکز ضد انقلاب قبول نکرده است و بر همین اسـاس کادر مرکزی این تشکیلات تروریستی با وجود پتانسیل‌های مذکور و همچنین ارتش آزادیبخش به عنوان بازوی نظامی فعالیت تحت مسؤولیت اپوزیسـیون و سلطنت‌طلب‌ها را نپذیرفت. این در حالی است که برای نخسـتین‌بار به شکل رسمی و ظاهری رهبری و مرکزیت این گروه‌ها کرد در کنار دشمن دیرینه خود قرار گیرد. مسـألهای که بیانگر شکل‌گیری جبهه‌ای جدید علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی دارد.

■ سناریوی داخل

پروژه براندازی در ایران در ۲ حوزه داخلی و پیرامونی در دسـتور کار عناصر حاضر در ورشو قرار گرفته است. سناریوی داخلی از ایجادی فشار اقتصادی آغاز و با شدت گرفتن نارضایتی‌ها به دنبال استفاده از اهرم بومی نفاق برای تبدیل وضعیت اعتراض به نافرمانی مدنی و در نهایت درگیری مسـلحانه اسـت؛ موضوعی که چندی قبل از سـوی منافقین با اشاره به کانون‌